

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهاردهمین همایش ملی علمی - فرهنگی خلیج فارس

پانل شماره یک: خلیج فارس و هویت ملی

## گزارش (۲): هویت و خلیج فارس

برگزارکننده: مرکز گردشگری علمی - فرهنگی دانشجویان ایران

مصاحبه کننده و ویراستار: صدرا عمویی

همکاران: حسن دلخوش، مصطفی سرایی، سید محمد جاویدان، زینب

یوسفی، علی اسلامی.

گفتگو با:

دکتر ابراهیم حاجیانی / دانشیار دانشگاه و معاون هماهنگی و برنامه ریزی مرکز

بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری

### نشانی دبیرخانه همایش:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک

۷۲، طبقه دوم، مرکز گردشگری علمی - فرهنگی دانشجویان ایران

شماره تماس: ۲۲ ۱۲ ۴۹ ۶۶ و ۳۶ ۱۱ ۴۹ ۶۶ - شماره: ۸۶ ۱۵ ۴۹ ۶۶

نشانی: [www.istta.ir](http://www.istta.ir) و [www.persiangulf-co.ir](http://www.persiangulf-co.ir) پست الکترونیک: [info@istta.ir](mailto:info@istta.ir)

## مقدمه

خلیج فارس مهد فرهنگ‌های گوناگون باقی‌مانده از ادوار مختلف تاریخی است که در ازای تاریخ موجد صلح پایدار میان مردمانی که در سواحل و جزایر آن زندگی می‌کنند، بوده است. این خلیج ایرانی از نظر راهبردی از موقعیت ممتاز و اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و به علت قرارگیری در مسیر راه‌های دریایی از زمان‌های دور مورد توجه و محل رفت و آمد ملت‌های دریانورد و تجارت‌پیشه شرق و غرب بوده است. به‌طور کلی اهمیت ژئوپلتیک خلیج فارس به خاطر عوامل مهم بازار صدور کالا و تجهیزات نظامی، وجود ذخایر عظیم نفت و گاز و منابع فرهنگی و طبیعی آن است که در قرون اخیر مورد توجه ابرقدرت‌ها و کشورهای بزرگ صنعتی بوده است

برگزاری مداوم همایش ملی خلیج فارس بر تولید و نشر دانش درخصوص مزیت‌های اقتصادی، گردشگری، سیاسی، گردشگری و اجتماعی خلیج فارس و نیز مشکلات زیست‌محیطی و فرهنگی متوجه آن تأکید دارد و جهاد دانشگاهی دبیرخانه همایش ملی خلیج فارس را با شعار پاسداشت هویت تاریخی خلیج فارس و بیان مزیت‌های اقتصادی، گردشگری، سیاسی و اجتماعی خلیج فارس در کنار مباحث هویتی آن تأسیس نموده است و در همهٔ دوره‌های همایش تلاش کرده است تا محورهای جدیدی متناسب با ظرفیت و توانمندی عظیم منطقه خلیج‌فارس بر همایش بیفزاید. بر همین اساس از دوره‌های یازدهم، شناسایی و معرفی توانمندی‌های اقتصادی، فرهنگی و گردشگری خلیج‌فارس از موضوعات اصلی همایش بوده است و در این دوره همایش نیز تلاش بر این بوده است تا به موضوعات دیده‌های نو به منظور توسعهٔ پایدار و روابط بین‌المللی و گردشگری توجه ویژه شود.

خداوند بزرگ را سپاسگزاریم که با توجه به شرایط ناشی از شیوع بیماری کرونا «چهاردهمین همایش ملی علمی- فرهنگی خلیج فارس» در راستای همدلی استادان، پژوهشگران، دانشجویان و نخبگان دانشگاهی در بستری علمی و با هدف جلوگیری از ترویج نام‌های جعلی و نیز بیان مزیت‌های خلیج فارس به صورت مجازی و در قالب ضبط گفتگو و نشر آن از طریق اینستاگرام، تلگرام، آپارات و ... برگزار می‌شود. امید است نتیجه گفتگوهای منتشرشده، سخنرانی‌های تخصصی و هم‌اندیشی‌ها درباره این مباحث، به افزایش کمی و کیفی داده‌های علمی در موضوع خلیج فارس منجر شود.

رحیم یعقوب‌زاده

رئیس مرکز گردشگری علمی- فرهنگی دانشجویان ایران و

دبیر همایش

## خلیج فارس و هویت ملی

دکتر ابراهیم حاجیانی\*

در خدمت جناب آقای دکتر حاجیانی، استاد دانشگاه و صاحب‌نظر در حوزه مسائل فرهنگی و جامعه‌شناختی و به‌خصوص مبحث هویت هستیم. در این گفتگو تلاش خواهیم کرد که پرسش‌های مربوط به هویت و مقوله خلیج فارس را با آقای دکتر حاجیانی مطرح کنیم و با ایشان به گفتگو بنشینیم تا دیدگاه‌های خود را دربارهٔ خلیج فارس و هویت ملی طرح کنند. دکتر حاجیانی جامعه‌شناس، محقق و کارشناس مطالعات فرهنگی و معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری دیدگاه‌های خود را دربارهٔ هویت و خلیج فارس مطرح می‌کنند. ایشان همچنین سابقه ریاست مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران و مدیریت گروه پژوهش‌های فرهنگی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام را در کارنامه دارد و تألیفاتی چون *جامعه‌شناسی اخلاق (تحلیل وضعیت اخلاق اجتماعی در جامعه ایران)*؛ *رهیافت‌هایی بر گفتمان اعتدال*؛ *تأملات جامعه‌شناختی دربارهٔ عرفی‌شدن (نظریه‌های عرفی‌شدن از فراز تا فرود)*؛ *مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی*؛ *برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک فرهنگی شهر*؛ *نظریه‌ها و مکاتب*

---

\* دانشیار دانشگاه و معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری  
\*\* این گفتگو در قالب پانل نخست چهاردهمین همایش ملی علمی - فرهنگی خلیج فارس با عنوان «هویت و خلیج فارس» در محل مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری در تاریخ ۹۹/۳/۱۳ انجام شده است.

روش‌شناختی در مطالعات امنیتی؛ درآمدی بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ آسیب‌شناسی نهاد خانواده در ایران و ... در کارنامه دارد.

حساسیت جدی به واسطهٔ جعل نام خلیج فارس از دههٔ ۱۳۸۰ ایجاد شد که آحاد جامعهٔ ایرانی در همه‌جای دنیا نسبت به این جعل واکنش نشان دادند. به نظر شما علت این مسئله چه بود و اساساً جایگاه خلیج فارس در بحث‌های مربوط به هویت ایرانی، ناسیونالیسم ایرانی، کشورهای منطقه و غرب چیست و دانشگاه‌ها در این میانه چه نقشی دارند و چه وظیفه‌ای را می‌توانند بر عهده بگیرند.

در ابتدا باید بگویم به تاریخ خوبی اشاره کردید؛ یعنی دههٔ ۱۳۸۰ نقطهٔ عطفی بود در رابطه با موضوع اعتبار مجدد یا اعتباریابی مجدد خلیج فارس در شاکله فرهنگ و هویت ایرانی. البته اگر دقیق بخواهیم دربارهٔ مقطع تاریخی مدنظر بحث کنیم، باید به سال‌های پایان جنگ تحمیلی و پایان دولت سازندگی برگردیم. شاید باید این نقطهٔ زمانی را حذف کنیم و بگوییم که خلیج فارس همیشه جزئی از شاکله هویت ایرانی بوده است. سرزمین و جغرافیا در مباحث فرهنگ و هویت خیلی نقش مهمی دارد. مکاتب و دیدگاه‌های متعددی وجود دارد و زمانی که می‌خواهیم از هویت یک جامعه یا ملت و اجتماعی صحبت کنیم و اینکه چه شاخصه‌هایی تعریف می‌شود، اختلاف‌نظرها زیاد است.

بعضی‌ها روی پیوندهای خونی و نسبی بیشتر تأکید دارند؛ مثل مکتب آلمانی هنگامی که هویت را به معنای پیوندهای نژادی و خونی تعریف می‌کند و بازتاب‌های سیاسی خاصی هم داشتند. مکتب فرانسوی که به‌جای خون و نژاد بیشتر بر سرزمین و جغرافیا تأکید دارد؛ ولی هر دوی این مکاتب و گرایش‌های مختلف دیگری که از لحاظ فکری وجود دارند، اذعان دارند که

عنصر سرزمین، جغرافیا و فضا را نمی‌شود از هویت حذف کرد. وقتی که این مبنا و این نکته را در نظر بگیریم، باید دانست سرزمین برای هر ملت و هر کشوری چه معنایی پیدا می‌کند. البته وجود جغرافیا و خاک مشترک است و نقشه و جغرافیا یک عنصر مهم هویتی است؛ چون وقتی از هویت صحبت می‌کنیم، باید یک جنبهٔ دیگری را در نظر بگیریم؛ یعنی یک چیز معمولی باید باشد که مردم یا اجتماع ملی به آن متعهد باشند، به آن عشق بورزند و یک موجودیت فیزیکی و خاکی هم لازم دارد که به‌عنوان مثال مرز، پرچم، کشور، سرزمین و تمام متعلقاتش است و حتی ممکن است یک رودخانه باشد نظیر رود نیل که برای مصری‌ها جنبهٔ نمادی دارد؛ نیل جزئی از فرهنگ و تمدن و ادبیات مصری‌ها است یا کوهستان ممکن است نماد برای جامعهٔ دیگر باشد مثل آلپ و هیمالیا. برای ما هم در طول تاریخ و نه فقط در این چند دهه گذشته دماوند و زاگرس و مشخصاً خلیج فارس این نقش نمادی را دارند. خلیج فارس، جغرافیای ایران و این سرزمین گربه‌گون و این گربهٔ نشسته عنصر مهم تعلق خاطر است و مردم ایران هویت خود را به واسطهٔ تعهد و تعلقشان به این جغرافیا و این سرزمین با همهٔ ویژگی‌های جغرافیایی، تنوع فصلی، تنوع زبانی یا تنوع پوشش و انواع مختلف ویژگی‌های جغرافیایی و اقتصادی و اجتماعی و انسانی تعریف می‌کنند.

نقش سرزمین در میان این عناصر هویتی از همه مهم‌تر است و باید ببینیم که وقتی از جغرافیای ایران و سرزمین ایران صحبت می‌کنیم، چه چیزی در آن مهم است؛ از بالای نقشه دریای مازندران از پایین خلیج فارس و دریای عمان و در وسط آن کویر است و همین کویر یک عنصر مهم هویتی برای جامعه ایران است. این‌ها چیزهایی است که وقتی می‌خواهیم از منظر جامعه-شناسی صحبت کنیم، باید تعلق آدم‌ها را با این موارد بسنجیم. ایران مفهوم

کلی است، وقتی از ایران صحبت می‌کنیم باید پرسیم کجای ایران و منظور از ایران چه نوع سرزمینی است؟

خلیج فارس در میان همه این‌ها از نظر تاریخی نقش خیلی مهمی داشته است، به‌ویژه از لحاظ عنصر سرزمین و هویت تاریخی ما، از سوی نویسندگان، نخبگان، شعرا و ادیبان و مردم عادی جایگاه این نقطه نظر جغرافیایی و این بخش از جغرافیای این کشور خیلی اهمیت دارد؛ اما چه شد که ما ناگهان در سال‌های بعد از جنگ و مشخصاً آغاز دهه ۱۳۸۰ مسئله خلیج فارس برایمان برجسته‌تر و مسئله می‌شود؟ باید گفت؛ ما با دو نکته مهم در این مقطع زمانی روبرو می‌شویم. در این سال‌ها مناقشه ایرانی - عربی را مشاهده می‌کنیم، این مناقشه هم مناقشه تاریخی بین ایران و همسایگان جنوبی خودش بوده، هم مناقشه شیعی و سنی و هم مناقشه فارسی - عربی بوده است. این مناقشه تاریخ طولانی دارد منتهی در سال‌های بعد از جنگ ما یک فراغتی پیدا می‌کنیم و مسئله فرهنگ ایرانی برجسته می‌شود، به عبارتی دنبال یک عنصری می‌گردیم که مرزبندی کنیم.

ما در بحث‌های هویتی با سرزمین‌های دور نمی‌توانیم مناقشه کنیم؛ مثلاً با مسیحیت، چون خیلی از ما دور هستند. اختلاف‌نظرها در نقاط تماس به وجود می‌آید، وقتی که دو فرهنگ در شرایط ارتباط قرار می‌گیرند. ما با جهان مسیحیت ارتباط مستقیم نداریم، نه اینکه نداشته باشیم، اتفاقاً با جهان غرب هم همین مقاربت و رقابت به وجود آمده است. در زمان صفویه که غرب و مسیحیت از طریق پرتغالی‌ها وارد کشور ما می‌شود، تماس‌ها شروع می‌شود و تا قاجار ادامه پیدا می‌کند. در زمان قاجار ما شکست می‌خوریم؛ بنابراین، با مسیحیت این مناقشه هویتی به وجود آمد که هنوز هم ادامه دارد و تماس با مسیحیت از طریق ورود مدرنیته و تمدن غربی و عناصر مدرنیسم است.



اما در مورد همسایه‌های نزدیک کشور خودمان که تمدن عربی است و سنی است این مناقشه بعد از سال‌های جنگ رخ می‌دهد و یک بخش آن به جنبه‌های سیاسی آن برمی‌گردد و آن این است که ناسیونالیسم ایرانی بعد از جنگ و به‌ویژه در سال‌های اخیر نقطه‌اتکایی برای جامعه ایران می‌شود. به‌ویژه در دوره جنگ که ما ناسیونالیسم ایرانی یعنی هویت ایرانی را کم‌رنگ کرده بودیم، به عبارتی در زمان جنگ ما جنگ را نه با عنصر سرزمین، بلکه بیشتر با عنصر فرهنگ شیعه و هویت شیعی اداره کردیم؛ یعنی جوان ما که می‌رفت و سینه سپر می‌کرد؛ این بیشتر روی ادبیات عاشورا و محرم نمود داشت و مبتنی بر موقعیت شیعی بود که جوان را تحریک می‌کرد. بعد از سال‌های جنگ که به دهه ۱۳۸۰ می‌رسد، متوجه می‌شویم تغییرات اجتماعی بر اثر پارامترهایی و نیز فشارهای داخلی و خارجی به وجود آمده است، تغییرات اجتماعی در درون این هویت ملی از نوع شیعی دچار فرسایش و فرسودگی می‌شود، به‌نحوی که نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای هویتی جامعه ایرانی باشد؛ بنابراین، جامعه ایرانی دنبال مواردی می‌گردد که جانشین آن باشد و لذا برمی‌گردد به ملیت، به ناسیونالیسم خودش و اینجا است که ناسیونالیسم احیا می‌شود؛ به‌ویژه از زمان آقای هاشمی، خود دولت هم مؤثر بوده است و در این زمینه رسانه‌ها و تبلیغات رسمی هم نقش مؤثری داشته است.

اینجاست که احیای مجدد ناسیونالیسم ایرانی به وقوع می‌پیوندد. ناسیونالیسم دنبال این است که چیزهایی را احیا کند، اینجاست که دوباره ایران باستان احیا می‌شود و به سراغ آن می‌آید مثل توجه جامعه ایرانی به کوروش، پاسارگاد و ...؛ بنابراین، ما از احیای موضوع خلیج فارس به مباحث فرهنگی خودمان رجعت می‌کنیم، به اینکه جامعه ایرانی دنبال این می‌رود که هویت ایرانی خودش را احیا و تعریف کند و طبعاً دنبال چیزهایی است که

بگویند خلیج فارس جای خیلی مهمی بوده و جایی بوده که می‌توانسته است به وسیله آن مناقشه ایرانی - عربی را دوباره زنده کند. من فکر می‌کنم که این مناقشه نادرست است؛ یعنی ما به لحاظ استراتژیک نباید دنبال احیای چنین مناقشه‌ای باشیم؛ چون مناقشه به ضرر ما است و نباید با همسایگان نزدیک مثل افغان‌ها، پاکستانی‌ها و تاجیک‌ها و یا عرب‌ها دنبال این مناقشه باشیم. منتها ما داریم چیزی را روایت می‌کنیم و توضیح می‌دهیم که هست و اتفاق افتاده است و ناشی از گرایش عمیق و جدی مردم ایران و بازگشت مجددشان به هویت ایرانی خلیج فارس است.

باید توجه کنیم که انبوه نارضایتی‌هایی که در دهه ۱۳۸۰ از دولت اتفاق می‌افتد، دولتی که عقبه فرهنگ شیعی دارد و قانون اساسی و نیز محتوای نظام سیاسی مبتنی بر نظام تمدن شیعی بنا شده است. با احیای خلیج فارس و هویت ایرانی نوعی مقابله هم رخ می‌دهد. ناراضیان از شرایط موجود از عنصر خلیج فارس و احیای هویت آن و احیای هویت ملی برای مواجهه با شرایط سیاسی که از آن ناراضی هستند، هم استفاد می‌کنند؛ بنابراین، جنبه‌های سیاسی هم پیدا می‌کند.

بعد از آن شاخص چهارم اضافه می‌شود و آن شرایط راهبردی ایران و غرب است. اینجا هم موضوع خلیج فارس برای ما هم مهم می‌شود. غرب در جریان مناقشه ایران و غرب، بعد از جریان هسته‌ای، به تدریج به سمت فرسایش تمام سرمایه ژئوپولیتیک ایران حرکت کرد؛ یعنی فرسودن تمام مزیت‌هایی که ایران به‌مثابه یک تمدن یا یک کشور بر سه مسئله هسته‌ای داشته است و از اهداف انقلاب اسلامی بوده است و مشخصاً توان هسته‌ای نقطه عطفش بود. غرب به سرعت و با جدیت دنبال تضعیف نقاط و ورودی‌های برجسته ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک کشور بود؛ یعنی کاری می‌کنند که ما از مزیت‌های ژئوپولیتیک

خودمان نتوانیم استفاده کنیم. بخش دیگر از این مناقشه هویتی ایران و غرب مناقشه بر سر نام‌هاست. این مناقشه بر سر نام فقط بر سر خلیج فارس مطرح نمی‌شود؛ بلکه یک مفهوم خیلی عمیق و جامعه‌شناختی است. در همه انقلاب‌ها این مناقشه نام‌ها وجود داشته است؛ «دعوی بر سر اسم» و بر این اساس بخشی از توان و فشار غرب برای فرسایش سرمایه ژئوپولیتیک ایران تغییر همین نام-هاست از جمله نام خلیج فارس؛ بنابراین، غرب به صورت عامدانه‌ای این تغییرات را سندنویسی می‌کند.

از طریق مؤسسات بین‌المللی در سطح رسانه‌ای و تبلیغات و فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی این تغییر نام را هدایت می‌کند و گاهی پول عربستان و قطر به‌عنوان پشتوانه‌ای برای آن‌ها است و غیرقابل انکار است؛ ولی غرب هم بی‌میل نیست از اینکه سرمایه‌های نمادین یک کشور را کاهش دهد؛ بنابراین، ما در جنبه راهبردی و استراتژیک هم باید مسئله خلیج فارس را ببینیم و جامعه ایران از دهه ۱۳۹۰ به بعد به‌ویژه با اوج‌گیری مناقشه متوجه این نکته شد. البته ممکن است جامعه ایران به این آگاهی و خودآگاهی نرسیده باشد. غرب بر چه اساسی این کار را انجام می‌دهد. اما درنهایت خروجی این جریان را می‌بیند. نام خلیج فارس و هویت خلیج فارس دارد ایران‌زدایی می‌شود، اینجاست که واکنش نشان می‌دهد. در نظر داشته باشید که ما واکنش‌های ضدغربی به لحاظ تاریخی در ایران داشته‌ایم، از زمان مشروطه و از حدود صد سال پیش این واکنش همیشگی ضدغرب، غرب‌گرایی و غرب‌ستیزی را داشته‌ایم.

این غرب‌ستیزی در اثر انقلاب اسلامی و ایده‌هایی که مرحوم امام (ره) مطرح کردند خیلی جدی‌تر گرفته شد، امام یکی از اندیشه‌های مهمی که در جامعه ایران تثبیت کرد و مردم هم استقبال کردند آن بود که بخش زیادی از مشکلات کشور ناشی از غرب است. این مناقشه ایران و غرب هم در موضوع نام

خلیج فارس خودش را نشان می‌دهد. در واقع، دفاع از خلیج فارس هم دفاع از هویت ایرانی در مقابل هویت عربی و هم دفاع از هویت ایرانی در مقابل هویت غربی است؛ یعنی دارای دو جنبه است، هم مقابله با تمدن و هویت غربی و هم حمایت از هویت شیعی در مقابل هویت سنی است که همه این موارد در خلیج فارس و اسم خلیج فارس تبلور پیدا می‌کند.

اساساً برجسته شدن موضوع خلیج فارس و جلوی دید قرار گرفتن آن به دلیل همین رقابت و مناقشات هویتی ما با هویت عربی است که حساسیت آن خیلی بالاست؛ چون شدت اختلاف مناقشات هویتی ایرانی با غیرایرانی یا مشخصاً ایرانی - عربی خیلی بیشتر است؛ چون دیگری را نزدیک کرده است با دیگری دورمان که غرب باشد. مشکل مردم ایران و غرب مثل مشکل هویتی ایران و عرب‌ها نیست و از نظر تاریخی خیلی عمیق تر است؛ چون احساس می‌کنیم که از این ناحیه بیشتر در رنج هستیم، غرب هم برای فشار به ایران از ناحیه کشورهای جنوبی حاشیه خلیج فارس این فشار را وارد می‌کند.

نکته خیلی مهم در خصوص ایجاد این فضا این است که ما برای شکل‌گیری این فضا خیلی آتش‌تهییه ریختیم؛ یعنی خود نظام تبلیغاتی و نظام رسانه‌ای ما در این زمینه عملکرد مناسبی نداشتند. من در مقاله‌ای اشاره و یادآوری کردم که چقدر صداوسیما در سال‌های بعد از جنگ در سال‌های دهه ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ در مورد اسم خلیج فارس کار کردند و تحلیل محتوا کرده بودند؛ ولی صداوسیما در این سال‌ها در دوره ریاست جمهوری دکتر احمدی‌نژاد و آقای خاتمی هر روز به صورت فشرده درباره اسم، هویت، نقشه و اهمیت خلیج فارس فشار روانی، تبلیغاتی و رسانه‌ای داشتند و این کارها به درستی هم لازم بوده است؛ چون این‌ها بحث انسجام ملی هم هست و خلیج فارس عامل انسجام ملی بوده است. خلیج فارس جایی است که همه ملت ایران را می‌توان زیر این خیمه

جمع کرد. همان طور که امام حسین(ع) می‌تواند این ویژگی را از نظر جامعه‌شناختی (اگر اسائه ادب نکرده باشم) این کارکرد را و این هویت ایرانی را همیشه زنده نگه داشته است. خلیج فارس هم چنین کارکردی را می‌تواند داشته باشد و صداوسیما، دستگاه‌های رسمی کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در قالب جشنواره‌ها و همین کارهایی که در مراکزی؛ چون مرکز گردشگری علمی فرهنگی دانشجویان ایران انجام می‌دهد، می‌توانند در این راستا کار کنند. این پمپاژ قوی و جدی که در بحث خلیج فارس انجام شده است به‌راحتی قابل تغییر نیست که بخواهیم ریلش را عوض کنیم؛ بنابراین، این تغییر یا تلطیفی که می‌گوییم خیلی کار دشواری خواهد بود؛ البته واقعاً و انصافاً هم باید بگوییم که جامعه ایران جامعه نژادپرستی نبوده و نیست و از داخل این موج ایجادشده نژادپرستی، خشونت و تروریسم بیرون نمی‌آید و مطلقاً از داخل آن تفکرات داعش‌گونه از نوع شیعی و ایرانی در نمی‌آید. به‌هرحال، ما چطور می‌توانیم این عنصر هویتی را کارکردی کنیم؟ به نظر من ادامه این مسیر خیلی خوب نیست. ما نباید با همسایگان نزدیک تنش را افزایش دهیم این اصلاً به صلاح ما نیست و توان مالی ما را فرسایش می‌دهد. این همسایگان جنوبی کشورهای متعددی هستند که متأسفانه توانمندی‌های مالی زیادی دارند. توانمندی سیاسی دارند و می‌تواند مزاحمت ایجاد کنند. همان طور که می‌دانید بخشی از به‌هم‌خوردن تولید انرژی هسته‌ای و روند پیشرفت هسته‌ای کشور را همین کشورهای حاشیه خلیج فارس با همکاری رژیم صهیونیستی دامن زدند و به وجود آوردند؛ بنابراین، آدم با همسایگان خود نباید درگیر شود، اصلاً به صلاح نیست. از لحاظ انسانی و اسلامی هم توصیه شده است که باید با همسایه رابطه خوبی داشته باشیم و در فرهنگ ایرانی ما این بوده، در فرهنگ سیاسی دیپلماتیک ما هم این بوده و ما هیچ وقت متعرض به هیچ کشوری نشدیم، نه کشور افغانستان و نه کشور پاکستان. ما در فرهنگ ایرانی و فرهنگ استراتژیک این‌گونه صحبت می‌کردیم و در فرهنگ راهبردی

ما تعرض وجود نداشته و وقتی وجود ندارد، برای چه دامن زده شود؟ ما باید به سمت بهبود رابطه حرکت کنیم طرح‌های مختلفی از سمت جمهوری اسلامی هم در دولت‌های قبلی و هم در این دولت مطرح شد. از این طرح‌ها که به همگرایی فرهنگی و همگرایی هویتی ایران و کشورهای حاشیه جنوب غرب خلیج فارس منجر می‌شود و رابطه هویتی و فرهنگی را تقویت می‌کند، باید انجام شود. بخشی از این تنش و مناقشه سیاسی است و بخشی امنیتی است؛ یعنی جنبه‌های پنهان دارد و بین مردم کشورهای مختلف از مصر تا عربستان سعودی و بحرین و امارات و مردم ایران این تنش وجود نداشته است؛ بنابراین، امکان تغییر مسیر وجود دارد و باید به این سمت حرکت کرد باید به سمت تعامل و رابطه نزدیک‌تر با کشورهای حاشیه خلیج فارس برویم، متأسفانه با کشورهای حاشیه خلیج فارس به جز امارات کمترین مرادده اقتصادی را داریم. به دلیل شرایط اخیر بعد از تحریم از ناحیه کشورهای عربستان و امارات دچار مشکلاتی شده‌ایم. تنها رابطه‌مان با قطر بد نشد؛ ولی اینکه بگوییم بازار خوبی با قطر پیدا کردیم و مناسباتمان با قطر خوب شده است، متأسفانه این طور نیست.

بهبود رابطه اقتصادی‌مان با عربستان بسیار مهم است؛ چون عربستان در مناقشه نام خلیج فارس و حفظ خلیج فارس یک طرف اصلی معادله است و عربستان سعودی قدرت بزرگ‌تر و برادر بزرگ‌تر این کشورها است نفوذ بیشتری دارد، توان سیاسی بیشتری دارد، در جهان اسلام در کنار جمهوری اسلامی ایران و ترکیه نقش عربستان نقش غیرقابل‌انکاری است و بنابراین، ما باید به سمت بهبود رابطه با این کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس و مشخصاً عربستان حرکت کنیم و دلیلی بر شکاف‌های سیاسی و تداوم این شکاف‌ها و تنش بین ما و این کشورها وجود ندارد.

جمهوری اسلامی ایران این حساسیت را درک می‌کند و تلاش زیادی می‌کند بتواند تأثیر کشورهای ثالث را به‌ویژه آمریکا و انگلیس را کم کند و بتواند رابطه خیلی خوبی را با کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس به‌خصوص عربستان داشته باشد. مناسبات فرهنگی به اندازه کافی وجود دارد، شیعیان زیادی در این کشور حضور دارند و وقتی رابطه اقتصادی ما کم شود، رابطه سیاسی و امنیتی هم بد می‌شود، شیعیان ساکن در این کشورها هم دچار ضعف و مشکل می‌شوند و فشار بیشتری به آن‌ها وارد می‌شود؛ بنابراین، مصلحت این است که از شدت تنش‌ها کاسته شود، اگر از شدت تنش‌ها کاسته بشود اسم خلیج فارس و هویت ایرانی خلیج فارس تضمین خواهد شد؛ چون همان طور که ما می‌گوییم مناقشه، آن‌ها هم با موضوع به شکل مناقشه نگاه می‌کنند و آن‌ها هم آتش تهیه را زیاد می‌کنند هر روز جعل سند جدید با پول انجام می‌دهند و به مؤسسات معتبر جهانی، سازمان ملل و دستگاه‌های وابسته به آن فشار می‌آورند، هر روز یک جریان و تحریک جدید ایجاد می‌کنند. ما در مقابل حساسیت نشان می‌دهیم و این تنش مضاعف می‌شود، مناقشه بین ما و عرب‌ها تشدید می‌شود. ما توان مالی محدودی داریم، تحت فشار تحریم‌ها محدودیت‌های مختلفی داریم، تحریم‌ها هم که تمام شود نباید خودمان را درگیر مسابقات تسلیحاتی با کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس کنیم. ما به‌هرحال، قدرت بزرگ منطقه هستیم؛ ولی ما می‌خواهیم توان اضافه کنیم، بخشی از این توان به علت حضور آمریکا است و ما هم متوجه این هستیم که دوستان نظامی ما وقتی توان ما را افزایش می‌دهند در واقع توان و قدرت ملی ما را برای مقابله با قدرت‌های بزرگ آماده می‌کنند. عرب‌ها احساس تهدید می‌کنند که وقتی شناورهای ما اضافه می‌شود وقتی توان الکترونیکی در خلیج فارس و دریای عمان را بالا می‌بریم، آن‌ها احساس تهدید می‌کنند و این‌ها نباید باشد و بنابراین، باید شدت مناقشه را کاهش بدهیم و یکی از راه‌های آن

تقویت مناسبات اقتصادی، فرهنگی، گردشگری زیارتی و گردشگری پزشکی است.

ما توان زیادی در حوزه گردشگری داریم بخش زیادی از این حوزه‌های گردشگری بین ما و کشورهای خلیج فارس می‌تواند تقویت شود. این‌گونه ما می‌توانیم مسئله را حل کنیم باید منشأ داستان را بتوانیم پیگیری کنیم. منشأ داستان تنش‌های بین ما و عرب‌ها و کشورهای عربی، تنش ما و غرب است و این را باید بتوانیم بهتر مدیریت کنیم که این قبیل مسائل هم حل شود.

وقتی که یک قدرت بزرگ مثل جمهوری اسلامی ایران در شرایط ضعف قرار بگیرد آن موقع هرکسی یک لگد می‌زند و هرکس آزار و اذیتی می‌کند؛ چون ما خودمان را فرسایش می‌دهیم و دشمن هم دارد این را تقویت می‌کند؛ ما باید مقتدر عمل کنیم، نه فقط از بعد نظامی و امنیتی. ما باید تعاملات اقتصادی را بالا ببریم. ایران ظرفیت‌های زیادی برای مبادلات اقتصادی با کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس دارد؛ در زمینه کشاورزی، خدمات نیروی انسانی، پزشکی و گردشگری و نیازی نیست که ما قدرت بزرگ باشیم که این کارها را بکنیم، با همین ظرفیت‌های محدود می‌توانیم تعاملات اقتصادی را بالا ببریم و وابستگی متقابل ایجاد کنیم.

نکته مهم دیگر جایگاه خلیج فارس در میانه بحث‌های دانشگاهی است. من خیلی آزار می‌بینم و خواهش می‌کنم که شما هم در مرکز گردشگری به اندازه خودتان تلاش کنید؛ چون یک مرکز دانشگاهی هستید و دست‌کم با دپارتمان که در دانشگاه علم و فرهنگ تشکیل شده است، در این زمینه بر تلاش‌هایتان اضافه کنید. کارهایی که انجام می‌شود بیشتر جنبه تاریخی و باستان‌شناسی دارد. منتها مطالعات اجتماعی و سیاسی معطوف به منطقه و میدان در حوزه خلیج فارس خیلی ضعیف است؛ یعنی در زمینه مطالعات اجتماعی خلیج فارس



ما تقریباً چیزی نداریم و تعدادی مطالعه ضعیف در حد نظرسنجی داریم و این‌ها کارهای سطح پایینی است و ما باید دپارتمان‌های علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی و علوم سیاسی داشته باشیم. دپارتمان علوم اجتماعی مهم است؛ چون علوم سیاسی موضوعات امنیتی و روابط بین‌الملل را دنبال می‌کنند و باید استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی این رشته‌ها را به سطح میدان بکشانیم و آن‌ها را با مسایل حاشیه جنوبی و شمالی خلیج فارس آشنا کنیم و درخواست کنیم تا در رابطه با مسایل و دغدغه موجود کار کنند، خیلی مهم است که مطالعات مردم‌شناسی جزایر و بنادر و سواحل خلیج فارس در دپارتمان علوم اجتماعی تقویت شود.

مباحث روشنفکری، مباحث سیاسی و مباحث روز ما نیاز به مسئله‌سازی دارد. شما به‌عنوان مرکز گردشگری، باید مسئله تولید کنید و مشکلات را مطرح کنید و مشکلات به دپارتمان‌ها و گروه‌ها وارد شود و به رساله و تحقیق تبدیل شود. من ندیدم که استادان حوزه علوم اجتماعی به این مباحث توجه کنند. ما باید حوزه مطالعاتی خلیج فارس را تعریف کنیم، این یک حوزه بین‌رشته‌ای است و مشکل کار اینجا به وجود می‌آید، ما وقتی می‌گوییم جامعه‌شناسی خلیج فارس یا در مورد مردم‌شناسی سواحل یا بنادر صحبت می‌کنیم این حوزه کاملاً بین‌رشته‌ای است و باید ماهیت آن‌ها تعریف شود و بر اساس آن ما تقاضا کنیم که محققان، نخبگان، روشنفکران و نویسندگان کار کنند، این حوزه مطالعاتی به‌خوبی تعریف نشده است.

شما بهترین جایی هستید که می‌توانید در این حوزه مطالعاتی کار کنید؛ چون درگیر هستید و تفکر تان بین‌رشته‌ای است؛ یعنی یک سمت آن به کشتی‌ها و فسیل‌شناسی خلیج فارس مربوط می‌شود، یک بخش آن تاریخ و هویت خلیج فارس و یک بخش آن اقتصاد است. شما چون تفکر بین‌رشته‌ای دارید می‌توانید این حوزه بین‌رشته‌ای را تعریف کنید، پیشنهاد می‌کنم که

نشست‌هایی را برگزار کنید و این حوزه را با عنوان حوزه مطالعاتی خلیج فارس مطرح کنید. اگر بخواهید که بازار این حوزه گرم شود، باید حوزه مطالعات خلیج فارس را به‌عنوان یک حوزه مستقل شناخت و به آن هویت داد. درحالی‌که این حوزه در حال حاضر هویت ندارد و کسی که تاریخ کار می‌کند از نگاه تاریخی محض نگاه می‌کند، من از منظر جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی می‌بینم و علوم سیاسی هم همین طور است؛ درحالی‌که این را باید ببریم در محتوای مطالعات منطقه‌ای بررسی کنیم نه منطقه‌ای به‌عنوان جغرافیا، مطالعات منطقه‌ای که واقعاً منطقه‌ای نگاه می‌کند. بدین شکل که بین حوزه‌های مختلف دانشگاهی جمع می‌شوند و یک منطقه جغرافیایی را بررسی می‌کنند.

فکرم این است که ما هنوز نتوانستیم که خود خلیج فارس را به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی مستقل به جامعه دانشگاهی عرضه کنیم؛ بنابراین، هرکس تلنگر کوچکی می‌زند و برمی‌گردد. من فکر نمی‌کنم که جایی غیر از مرکز شما دغدغه این کار را داشته باشد.

انشالله که دولت و وزارت میراث، گردشگری و صنایع دستی و نیز دانشگاه‌های خود منطقه پای کار بیایند و وزارت علوم هم حمایت کند و این طرح به لحاظ مفهومی برای خودش یک چهارچوب هویتی پیدا کند.